

ویژه نامه ی روز جهانی مالکیت فکری



همکاران
سیستم

کمیته ایرانی اتاق بازرگانه بین المللی

ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مالکیت فکری

کار مشترکی از دفتر حقوقی شرکت همکاران سیستم و کمیته‌ی ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی

همکاران طرح:

– دکتر علیرضا مسعودی

دکترای حقوق خصوصی از دانشگاه تهران

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد و مدیر دفتر حقوقی همکاران سیستم

– شقایق بهشتی

دکترای حقوق خصوصی

-پریسا محمدخانی

کارشناس ارشد حقوق مالکیت فکری

– هستی شهریزفر

کارشناس محتوا

- طراحی و صفحه‌آرایی

استودیوی دیزاین همکاران سیستم

زمان انتشار: اردیبهشت ۱۳۹۷

فهرست:

ضرورت تعامل دولت و بخش خصوصی

در تحقق مالکیت فکری

- دکتر علیرضا مسعودی

روش‌های تحقق مالکیت

در دارایی‌های فکری و آثار آن

ارزش‌گذاری دارایی‌های فکری

روش‌های ارزش‌گذاری نرم‌افزار

- مهندس حسین رزاقی

وثیقه‌گذاری اموال فکری

در نظام حقوقی ایران

درباره‌ی روز جهانی مالکیت فکری

و رویکرد سال ۲۰۱۸

شکاف جنسیتی در فعالیت‌های نوآورانه با

نگاهی به فعالیت‌های ثبت اختراع در ایران

- دکتر مژگان سمندر علی اشتهاردی

ضرورت تعامل دولت و بخش خصوصی در تحقق مالکیت فکری

دکتر علیرضا مسعودی

علیرغم این‌که دولت اصلی‌ترین متولی مسائل مربوط به مالکیت فکری است، اما ذی‌نفع اصلی حوزه مالکیت فکری، بخش خصوصی است که متأسفانه در سال‌های گذشته نتوانسته است با اتخاذ موضعی یکپارچه، صدایی واحد را به گوش دولت‌مردان برساند.

بی‌تردید دولت در جایگاه متولی حوزه کی‌رایت، نباید در غیاب ذی‌نفعان تصمیم بگیرد، قاعده‌گذاری کند یا مقررات را تغییر دهد؛ در واقع هر تصمیمی باید انعکاسی از نیازها و دغدغه‌های این حوزه باشد.

اگر مالکیت‌های فکری در جوامع پیشرفته به اصلی‌ترین موتور محرکه و مسیر پیشرفت و توسعه تبدیل شده است، این مهم فقط از رهگذر حضور و فعالیت شرکت‌ها و سازمان‌هایی است که در طول سال‌ها از منافع حمایت‌های قانونی حوزه مالکیت‌های فکری بهره برده‌اند و باعث رشد و توسعه‌ی خود و جامعه‌ی پیرامونی خود شده‌اند.

از طرفی، نمی‌توان همه چیز را در قانون خلاصه کرد و داشتن انتظاری فراتر از قابلیت‌های قانون منصفانه نیست. قانون، ابزاری برای تنظیم روابط اجتماعی و ایجاد سازوکارهای لازم به‌منظور ضابطه‌مندی حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تجاری است و چنان‌چه بتواند این ضرورت‌ها را تامین کند، بسیار خوش درخشیده است. اما سرچشمه‌ی این جریان را باید در جایی دیگر جست‌وجو کرد، مجموعه‌ی فضای کسب‌وکار می‌بایست زمینه‌ی حمایت، توسعه و ترویج مالکیت‌های فکری را فراهم آورد و ثروت‌آفرینی از این دارایی‌ها را تسهیل کند.

دولت ممکن است در نگاهی خوش‌بینانه مستمع خوبی برای خواسته‌های گروه‌های گوناگون اجتماعی و پاسخ‌گو به نیازهای آنان و تامین منافع‌شان باشد، ولی در فضایی که مبتنی‌بر روابط مدنی و تعامل دوسویه‌ی مثبت میان دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان است، خواسته‌ها و مطالبات بخش خصوصی می‌بایست به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و موثر به دست‌اندرکاران و متولیان این حوزه منعکس شود. آن‌چه دغدغه ما است و درصدد تحقق آن هستیم، این است که با درک درست از نیازمندی‌های این حوزه و تحولات جهانی و استانداردهای حاکم در این زمینه، بستری برای بیان خواسته‌ها و ایده‌های بخش خصوصی ایران فراهم کنیم. اگر آن‌چه به حمایت از مالکیت‌های فکری مربوط می‌شود را از دید تجاری و اقتصادی نگاه کنیم و رویکردهای کلان این حوزه در جامعه‌ی بین‌المللی را موشکافانه بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که هدف نهایی حمایت‌های قانونی نیز بر حمایت از مصادیق مالکیت‌های فکری به‌عنوان یک «مال» است، بنابراین ما با یک دارایی مواجه هستیم که از یک‌سو، باید مورد شناسایی قانون‌گذار قرار بگیرد (که چنین شده است) و از سوی دیگر به تعبیری که در ماده‌ی ۳۰ قانون مدنی بیان شده است، به مالک آن حق همه‌گونه تصرف و انتفاع را بدهد.

در نظام حقوق سنتی به‌واسطه این‌که اموال، پایگاه مادی داشتند، حمایت‌ها و چارچوب‌های حقوقی نیز متناسب با ماهیت همان اموال بوده‌اند، اما در مورد اموالی که چهره‌ی

”

مجموعه‌ی فضای کسب‌وکار می‌بایست زمینه‌ی حمایت، توسعه و ترویج مالکیت‌های فکری را فراهم آورد و ثروت‌آفرینی از این دارایی‌ها را تسهیل کند.

“

مانع از هم‌افزایی تولید علم و فناوری شود. ضمن این‌که از شکل‌گیری یک فرهنگ مناسب و جامع برای حمایت از کپی‌رایت جلوگیری کرده است و فرهنگ‌سازی در این زمینه را با دشواری مواجه کرده است. متأسفانه وجود برخی دغدغه‌ها و تردیدهای شرعی نیز در کنار موانع اجرایی موجود، نظام حمایتی این حوزه را با تردیدها و چالش‌های مهمی مواجه کرده است.

در بین انواع مختلف مصادیق، «مالکیت فکری نرم‌افزار» به‌واسطه‌ی جایگاه شاخص و ممتاز خود (به‌دلیل ارتباط مستقیمی که با تولید و توسعه‌ی علم و فناوری دارد)، با چالش‌های بیش‌تری مواجه است.

با وجود تمام این مشکلات، ما معتقدیم برای گذر از همه‌ی این چالش‌ها و موانع می‌توان با همکاری مشترک و تعامل دوسویه بین دولت و بخش خصوصی، مسیر را برای حل این مشکلات و رفع موانع هموار ساخت.

”

**نوگرایی و پذیرش رویکردها
و دیدگاه‌های جدید و تدوین
و تصویب قوانین جدید،
می‌تواند نظام حقوقی را با
تغییرات تازه هم‌گام کند تا بتواند
راه‌گشای این حوزه و پاسخ‌گوی
کاستی‌ها باشد.**

“

محسوس و مادی ندارند، چارچوب‌های سنتی پاسخ‌گو نیستند و هر چه یک نظام حقوقی بیش‌تر به سنت‌ها وفادار باشد، بالتبع از تأمین حمایت‌های لازم و کافی در مورد پدیده‌های نوظهور مانند اموال غیرمادی ناتوان‌تر خواهد بود. نوگرایی و پذیرش رویکردها و دیدگاه‌های جدید و تدوین و تصویب قوانین جدید، می‌تواند نظام حقوقی را با تغییرات تازه هم‌گام کند تا بتواند راه‌گشای این حوزه و پاسخ‌گوی کاستی‌ها باشد.

قانون اساسی در جایگاه بالاترین و اصلی‌ترین قانون با بیان اصول مهم و البته کلی به مثابه‌ی یک قرارداد اجتماعی، چارچوب و نظام زیستن در این سرزمین را تنظیم و تدوین کرده است. از اصل ۲۰ که همه‌ی افراد ملت را به‌شکل یک‌سان تحت حمایت قانون می‌داند و اصل ۲۲ که حقوق اشخاص را مصون از تعرض اعلام کرده است تا اصل ۲۸ که حق آزادی شغل را به رسمیت شناخته است گرفته، تا اصول ۴۶ و ۴۷ که مالکیت بر حاصل کسب‌وکار را مشروع اعلام کرده و آن را محترم دانسته است.

در کنار همه‌ی این‌ها نباید از مقدمه‌ی قانون اساسی غفلت کرد که در آن، از جمله برنامه‌های اقتصاد آرمانی نویسندگان قانون اساسی را فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی دانسته است.

خوش‌بختانه برای تأمین حمایت‌های قانونی از مالکیت‌های فکری، قوانین مختلفی تصویب شده است و سابقه‌ی قانون‌گذاری در این زمینه به حدود ۹۰ سال پیش برمی‌گردد. در یک ارزیابی کلی از وضعیت مالکیت‌های فکری در ایران می‌توان گفت که حوزه‌ی مالکیت‌های صنعتی با همه‌ی کاستی‌هایی که دارد، به‌واسطه‌ی ارتباط و پیوستگی با نظام‌ها، استانداردها و کنوانسیون‌های بین‌المللی از چارچوب مستحکم‌تری در مقایسه با مالکیت‌های ادبی و هنری (کپی‌رایت) برخوردار است.

عدم پیوستن ایران به کنوانسیون برن -به‌عنوان اصلی‌ترین کنوانسیون بین‌المللی موجود در حوزه‌ی مالکیت‌های ادبی و هنری- باعث شده است ارتباط پدیدآورندگان ایرانی با هم‌تایان خارجی خود با مشکل مواجه شود و



روش‌های تحقق مالکیت در دارایی‌های فکری و آثار آن

بهتر است موضوع را با طرح این پرسش آغاز کنیم که اصولاً واژه‌ی «مال» به چه چیزی اطلاق می‌شود؟ آیا تعریف عرفی این واژه با تعریف حقوقی آن متفاوت است؟ آیا می‌توان تعریف مال را با مصادیق مالکیت فکری تطبیق داد؟ شیوه‌ی تحقق مالکیت بر اموال فکری چگونه است؟

- در فرهنگ لغات فارسی، از «مال» به دارایی؛ آن‌چه که در ملک شخصی باشد، آن‌چه که ارزش مبادله داشته باشد، تعبیر شده است.

- از نظر حقوقی، «مال» آن چیزی است که از نظر اقتصادی دارای ارزش دادوستد و مبادله باشد.

بنابراین مفهوم حقوقی مال نیز از مفهوم لغوی و عرفی آن دور نیست.

آن‌چه اهمیت دارد این است که طبق مفهوم عرفی، لازم نیست مال محسوس باشد، بلکه حقوقی که ارزش مالی و اقتصادی داشته باشند نیز در زمره‌ی اموال به شمار می‌آیند، هر چند که موضوع آن‌ها شیء معین مادی نباشد.

”

ملاک‌های ارائه شده برای احراز مالکیت یک شیء بر اموال فکری نیز منطبق است.

“

در یک تقسیم‌بندی، مال به دو گروه «مال مادی» و «مال غیرمادی» تقسیم می‌شود.

- **مال مادی**، مالی است که ابعاد قابل احساس مادی دارد، مانند میز، ماشین، خانه.
- **مال غیرمادی**، مالی است که وجود مادی در خارج ندارد ولی ارزش اقتصادی دارد و مورد دادوستد قرار می‌گیرد.

مانند حق مخترع، حق مولف.

ملاک‌های احراز مالکیت اشیا عبارتند از:

۱. مردم نسبت به آن شیء رغبت و میل داشته باشند و به‌عبارتی حاضر باشند برای به‌دست آوردن آن بهایی را بپردازند.

۲. قابلیت دادوستد داشته باشد.

۳. مفید باشد و قانون آن را منع نکرده باشد.

۴. کمیاب باشد. به‌عبارت دیگر مردم در به‌دست آوردن آن شیء با هم رقابت داشته باشند.

موضوعات مالکیت فکری در دو گروه عمده‌ی «مالکیت صنعتی» و «مالکیت‌های ادبی و هنری» قرار می‌گیرند.

- **مصادیق حقوق مالکیت صنعتی**، عبارتند از اختراع، علائم تجاری، صنعتی و خدماتی، نام تجاری، نام و نشانی کامپیوتری شبکه‌های اینترنت، طرح صنعتی، علائم و نشانه‌های جغرافیایی و اسرار تجاری.

- **مصادیق مالکیت ادبی و هنری**، عبارتند از آثار ادبی، عناوین آثار، آثار هنری و نرم‌افزارهای رایانه‌ای.

ملاک‌های ارائه شده برای احراز مالکیت یک شیء بر اموال فکری نیز منطبق است.

البته ممکن است درباره‌ی ویژگی «کمیاب بودن»، این تردید مطرح شود که اموال فکری با توجه به این‌که از تراوش‌های

ذهنی افراد حاصل می‌شوند، نمی‌توانند کم‌یاب باشند، ولی قانون‌گذار با ترسیم نظام حقوقی مالکیت فکری و اعطای حق انحصاری به پدیدآورندگان آن‌ها نسبت به حقوق فکری خود، اموال فکری را از دسترس عموم مردم خارج و دیگران را از بهره‌برداری از اثر فکری دیگری منع می‌کند. همین امر موجب کم‌یابی اموال فکری و دردسترس نبودن آن برای سایر افراد شده است.

ویژگی «کم‌یاب بودن» برای مال فکری نیز ایجاد می‌شود، بنابراین آثار فکری در ذات خود کم‌یاب نیستند و این خصوصیت از طریق قواعد نظام حقوقی مالکیت فکری و اعطای حقوق انحصاری ویژه به پدیدآورنده محقق می‌شود. البته نباید از نظر دور داشت که اموال فکری در ابتدا از ارزش اقتصادی بالایی برخوردار نبودند و به مرور زمان به اموالی با ارزش تبدیل شدند. اموال فکری از سال‌های بسیار دور وجود داشته و مورد استفاده بوده است. اختراع ابزار و وسایل نوآورانه و کاربردی، ساخت دارو و تجهیزات جدید پزشکی، سرودن اشعار، خلق رمان و داستان، تهیهی تابلوهای نقاشی، ساخت مجسمه و دیگر ابداعات و آفرینش‌ها محدود به دوران کنونی نبوده و از سال‌ها پیش تا به امروز در جریان بوده است. اما در هیچ‌یک از اعصار گذشته، ارزش اقتصادی اموال فکری و ضرورت حمایت از آن‌ها به اندازهی امروز احساس نمی‌شده است.

می‌توان علت توجه جامعه‌ی مدرن امروزی به کسب ثروت از اموال فکری و ایجاد نظام حمایتی مختص این اموال را در پیشرفت تکنولوژی و به تبع آن، امکان تولید انبوه و تکثیر گسترده‌ی نسخه‌های مال فکری دانست. تولید انبوه محصولات فکری، از سویی با ایجاد فرصتی مناسب برای تکثیر و فروش گسترده‌ی این اموال، سودآوری شگرفی را به‌دنبال داشته و ارزش اقتصادی اموال فکری را چندبرابر ساخته است و از سوی دیگر نقض این اموال توسط سودجویان را تسهیل می‌کند.

برای نمونه، در زمان‌های گذشته به‌دلیل نبود دستگاه چاپ، امکان تکثیر آسان و سریع آثار نویسندگان فراهم نبود و دشواری تهیهی نسخه‌های دست‌نویس، در عمل مانع از کسب سود توسط نویسنده می‌شد و تهیهی نسخه‌های



غیرمجاز از اثر توسط دیگران را نیز دشوار می‌ساخت. به مرور زمان، با پیشرفت تکنولوژی و ایجاد شیوه‌های جدید برای تکثیر و بازتولید اموال فکری، نقش این اموال در اقتصاد کشورها پُررنگ‌تر شد و حمایت از اموال فکری اهمیتی دوچندان یافت.

”می‌توان علت توجه جامعه‌ی مدرن امروزی به کسب ثروت از اموال فکری و ایجاد نظام حمایتی مختص این اموال را در پیشرفت تکنولوژی و به تبع آن، امکان تولید انبوه و تکثیر گسترده‌ی نسخه‌های مال فکری دانست.

“
روش‌های ایجاد و کسب مالکیت اموال فکری
اموال فکری اگرچه همگی دارای ماهیتی واحد و برگرفته از تراوش‌های ذهنی افراد هستند، اما از لحاظ شکلی با هم تفاوت دارند. تفاوت شکلی اموال فکری موجب تفاوت در روش ایجاد مالکیت این نوع اموال نیز هست. از این رو، شیوه‌ی ایجاد مالکیت را در انواع مختلف اموال فکری به‌شکل مجزا بررسی می‌کنیم.

۱. آثار ادبی و هنری: درباره‌ی آثار ادبی و هنری مانند عکس، نقاشی، حکاکی، پیکره‌سازی، کتاب‌ها و مقاله‌ها باید گفت که مالکیت پدیدآورنده به محض خلق این آثار ایجاد و حمایت از اثر به‌صِرف ایجاد و آفرینش انجام می‌شود و

مشروط به انجام هیچ‌گونه مراحل اداری و تشریفات نیست. قانون‌گذار در هیچ‌یک از مواد قانون حمایت از مصنفان، مولفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و دیگر قوانین مرتبط با حقوق مالکیت ادبی و هنری، حمایت قانون را وابسته به ثبت نکرده است و اثر را بی‌درنگ پس از آفرینش، شایسته‌ی حمایت در برابر دیگران دانسته است.

۲. اختراعات و طرح‌های صنعتی: این دسته از اموال در حیطه‌ی حقوق مالکیت صنعتی حمایت می‌شوند. کسب مالکیت این دسته از اموال برخلاف دسته‌ی قبل وابسته به ثبت آن‌ها در اداره‌ی مالکیت صنعتی است و در ماده‌ی ۵ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ تصریح شده است که مالک حق اختراع/طرح صنعتی کسی است که اظهارنامه‌ی ثبت را زودتر از سایرین به اداره‌ی ثبت تسلیم کرده باشد. بنابراین آفرینش اختراعات و طرح‌های صنعتی برخلاف آثار ادبی و هنری نقشی در ایجاد مالکیت برای مخترع و طراح صنعتی ندارد و ایجاد مالکیت مستلزم ثبت است.

۳. علائم تجاری: علائم تجاری در نظام‌های حقوقی مختلف، از طریق استفاده یا ثبت حمایت می‌شوند. با این حال در نظام حقوقی ایران حمایت از طریق ثبت به‌عمل می‌آید و قانون‌گذار مالک علامت تجاری را کسی می‌داند که علامت را به ثبت رسانده باشد، نه آن‌که صرفاً از علامت تجاری استفاده کرده باشد. ماده‌ی ۳۱ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مقرر می‌دارد: «حق استفاده از یک علامت به کسی اختصاص دارد که آن علامت را طبق مقررات این قانون به ثبت رسانیده باشد.» بنابراین ایجاد مالکیت علامت تجاری نیز از طریق ثبت علامت محقق می‌شود.

۴. نرم‌افزار رایانه‌ای: نرم‌افزار اگر شرایط ماهوی اختراع (جدید بودن، گام ابتکاری و کاربرد صنعتی) را داشته باشد، به‌عنوان اختراع حمایت می‌شود، وگرنه، به‌عنوان یک اثر ادبی و هنری مورد حمایت قرار می‌گیرد. ممکن است گفته شود در شرایطی که نرم‌افزار اختراع محسوب می‌شود، ایجاد



مالکیت برای پدیدآورنده‌ی آن منوط به ثبت نرم‌افزار است، اما اگر ویژگی‌های اختراع را نداشته باشد، مانند یک اثر ادبی و هنری، صرف پدیدآوردن آن، موجب تملک آن می‌شود. با این حال، این پیش‌فرض درست نیست و قانون‌گذار در ماده‌ی ۸ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، حمایت از تمام انواع نرم‌افزار را منوط به ثبت آن‌ها دانسته است.

۵. اسرار تجاری: اسرار تجاری تحت حمایت حقوق مالکیت صنعتی هستند، ولی تفاوت اساسی آن‌ها با دیگر شاخه‌های حقوق مالکیت صنعتی در محرمانه بودن و مخفی بودن آن‌هاست که مانعی در برابر ثبت محسوب می‌شود؛ زیرا یکی از الزامات ثبت مالکیت‌های صنعتی، افشای جزئیات مربوط به این دارایی‌هاست و ثبت اسرار تجاری به‌دلیل لزوم افشای این اسرار در فرآیند ثبت، ماهیت سرّی آن‌ها را از بین می‌برد و دیگر نمی‌توان آن‌ها را محرمانه دانست. از این رو ثبت اسرار تجاری کاملاً منتفی بوده و مسئله‌ای به‌نام ثبت درباره‌ی این نوع از مالکیت‌های صنعتی مطرح نمی‌شود. اسرار تجاری بدون ثبت مورد حمایت بوده و محرمانگی آن‌ها نیز مزیتی رقابتی برای دارندگان آن‌ها تلقی می‌شود. ایجاد مالکیت در این دسته از دارایی‌های فکری همانند آثار ادبی و هنری به‌محض آفرینش است و دارنده‌ی اصلی، مالک آن‌ها محسوب می‌شود.

حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که ایجاد مالکیت برای صاحب اموال فکری چه آثاری دارد؟ آیا همانند مالکیت اموال مادی امکان انواع تصرف مالکانه را برای دارنده ایجاد می‌کند یا ماهیت خاص این اموال مستلزم وجود تفاوت‌هایی در حقوق مالک آن است؟

مالک اموال فکری نسبت به مال خود از دو دسته حق برخوردار است. این حقوق عبارتند از حقوق مادی و حقوق معنوی.

- **حقوق معنوی؛** نشان‌دهنده‌ی انتساب محصول فکری به پدیدآورنده‌ی آن است (مانند ذکر نام مخترع در گواهینامه‌ی اختراع). این حقوق قابل انتقال نیستند و

هرگونه قراردادی مبنی‌بر انتقال این حقوق نیز باطل است، بنابراین قراردادی نیز در حوزه‌ی انتقال این حقوق وجود ندارد.

- **حقوق مادی؛** همان‌طور که از نام آن نیز مشخص است از جنبه‌ی اقتصادی حائز اهمیت است و قابل دادوستد هستند. مثلاً در حوزه‌ی مالکیت صنعتی می‌توان این موارد را به‌عنوان مصادیق حقوق مادی برشمرد: استفاده از فرآیند (فرآیند ساخت محصولات)، ساخت محصول، فروش، عرضه برای فروش، ذخیره به قصد فروش، صادرات و واردات.

واگذاری حقوق مادی به دو روش انجام می‌شود:

(الف) انتقال مالکیت

(ب) اعطای مجوز بهره‌برداری.

این دو نوع واگذاری حقوق مادی را به‌دلیل ملموس بودن بیش‌تر، در حق اختراع بررسی می‌کنیم.

الف) انتقال مالکیت (Assignment)

با انتقال اموال فکری، مالکیت آن‌ها از مالک اولیه به شخص دیگری منتقل می‌شود. این انتقال دائمی است (همانند فروش یک مال) و در دو قالب انجام می‌شود:

۱. انتقال حق مادی، که در آن حقوق مادی پس از ثبت اختراع به‌طور دائمی به دیگری واگذار می‌شود. انتقال حق اختراع معمولاً به این دلیل انجام می‌شود که مالک اختراع، توانایی مالی تجاری‌سازی و تولید انبوه محصول را ندارد و ترجیح می‌دهد با فروش حق اختراع خود، مبلغ مطلوبی را به‌دست آورد و در عوض تجاری‌سازی را به‌عهده دیگران بگذارد.

۲. انتقال مالکیت اظهارنامه، که در آن مالکیت اظهارنامه به شخص دیگری واگذار می‌شود و لازمه‌ی این واگذاری، ثبت در مرجع ثبت و پرداخت هزینه‌های مربوطه است. این انتقال در همان ابتدا و در هنگام تقدیم اظهارنامه‌ی ثبت اختراع به اداره‌ی ثبت انجام می‌شود. دلیل این اقدام آن است که بررسی اظهارنامه‌ها و احراز واجد شرایط بودن آن‌ها برای ثبت، ممکن است در برخی کشورها طولانی باشد، از این رو برخی مخترعان ترجیح می‌دهند به‌جای صرف مدت زمان طولانی و



بازپرداخت تسهیلات، مورد قبول نیست. ایران نیز از جمله کشورهای گروه دوم است که در این مورد با تردیدها و نواقص متعددی مواجه است.

با توجه به اهمیت این موضوع، در مقاله‌ی دیگری در این ویژه‌نامه به‌طور مفصل به این مقوله پرداخته شده است.

انتظار برای دریافت پتنت، از همان ابتدا اظهارنامه را منتقل و مبلغ مناسبی را نیز دریافت کنند. در این موقعیت، در فرم اظهارنامه، نام مالک اولیه تغییر می‌کند و نام شخص انتقال‌گیرنده در قسمت مربوط به مشخصات مالک درج می‌شود. البته به‌منظور حفظ حقوق معنوی مخترع، نام او به‌عنوان مخترع در اظهارنامه باقی می‌ماند.

ب) قرارداد اعطای مجوز بهره‌برداری (قرارداد license)

به‌طور کلی، قرارداد لیسانس، قراردادی است که در آن، دارنده‌ی حق مالکیت فکری که لیسانس‌دهنده (licensor) نامیده می‌شود، اجازه‌ی بهره‌برداری از تمام یا بخشی از حقوق فکری خود را به شخص دیگری که لیسانس‌گیرنده (licensee) نامیده می‌شود، می‌دهد. اعطای حقوق طبق شرایطی معین، برای مدتی معین و در قلمرو مشخص انجام می‌شود. باید توجه داشت که در قرارداد لیسانس، مالکیت منتقل نمی‌شود و مالک حق تغییر نمی‌کند، بلکه تنها اجازه‌ی استفاده از حق به شخص دیگری اعطا می‌شود.

اما دارا بودن مالکیت اموال فکری و برخوردار بودن از حقوق مادی این اموال صرفاً منحصر به فروش و اعطای مجوز بهره‌برداری نیست. ممکن است مالک بخواهد، بدون نیاز به انتقال یا اعطای لیسانس، محصول خود را ارتقا داده یا به تجاری‌سازی این محصولات اقدام کند که طبیعتاً برای انجام چنین اقداماتی نیازمند هزینه‌ای هنگفت خواهد بود. تامین نقدینگی و سرمایه‌ی لازم برای این امر می‌تواند از طریق جذب سرمایه‌گذار یا دریافت تسهیلات بانکی باشد.

در بسیاری از کشورهای جهان نیز به‌منظور دریافت تسهیلات بانکی، از اموال فکری به‌عنوان تضمین استفاده می‌شود و بدین ترتیب از ظرفیت‌های متعدد اموال فکری استفاده می‌شود و بستری مناسب برای رفع نیازهای مالی مالکان اموال فکری فراهم خواهد شد. البته استفاده از اموال فکری به‌عنوان تضمین که در بسیاری از کشورها پذیرفته شده است، امری است نوین که سابقه‌ای چند ده ساله دارد، اما در برخی کشورها به‌دلیل نبود سازوکار بانکی و حقوقی مناسب یا استفاده از اموال فکری به‌عنوان تضمین

برگرفته از:

- سعید حبیبی، مجید حسین‌زاده، بررسی فرآیند تحصیل مالکیت اموال فکری، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۲، ۱۳۹۳
- اصغر محمودی، ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آن در حقوق اموال، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره دوم، ۱۳۹۱
- ناصر کاتوزیان، حقوق اموال و مالکیت، چاپ پانزدهم، نشر میزان، ۱۳۸۶
- ستار زرکلام، حقوق مالکیت ادبی و هنری، چاپ پانزدهم، نشر میزان، ۱۳۸۶
- قانون اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶
- قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸
- قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹
- فرهنگ لغت دهخدا

ارزش‌گذاری دارایی‌های فکری

دارایی‌های فکری به‌عنوان یک سرمایه، امکان بهره‌برداری و معامله دارند، بنابراین مذاکره و چانه‌زنی درباره‌ی این اموال و انتقال این نوع از سرمایه مستلزم تعیین ارزش آن است. در دنیای امروز ارزش دارایی‌های فکری شرکت‌های بزرگ و پیش‌رو، بسیار بیش از دارایی‌های فیزیکی آن‌هاست و به‌همین دلیل، نمی‌توان نسبت به ارزش دارایی‌های فکری بی‌تفاوت بود.

ارزش‌گذاری دارایی‌های فکری، امری جدید، نوظهور و البته بسیار پیچیده است، چرا که بایستی برای یک دارایی معنوی، ارزش مادی تعیین کرد. بنابراین ابتدا باید به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که «مفهوم ارزش‌گذاری دارایی فکری چیست؟» و «آیا برای تعیین ارزش مادی اموال غیرمادی روش یا معیار خاصی وجود دارد؟»

الف) مفهوم ارزش‌گذاری

ارزش‌گذاری اموال فکری به‌معنای برآورد ارزش اقتصادی این اموال است. به‌طور کلی برآوردِ اختلاف میان منفعت حاصل از یک دارایی فکری (مانند اختراع و فناوری) و ریسک و هزینه‌ی آن را ارزش‌گذاری دارایی فکری گویند، بدین معنا که هر چه سود دارایی فکری بیش از ریسک آن باشد، آن دارایی ارزش بیش‌تری دارد.

ارزش‌گذاری اموال فکری از جمله موضوعاتی است که با تجاری‌سازی اموال فکری و توثیق آن‌ها ارتباطی تنگاتنگ دارد. محاسبه‌ی ارزش ریالی مال فکری در موارد متعددی مورد نیاز است؛ از جمله می‌توان به ارزیابی شرکت‌ها برای سهام‌داران، پذیره‌نویسی سهام شرکت‌ها، خصوصی‌سازی موسسات عمومی، انعقاد قراردادهای انتقال و اعطای

مجوز بهره‌برداری از اموال فکری، وثیقه گذاشتن این اموال به‌منظور دریافت تسهیلات و به‌طور کلی استفاده از ظرفیت تجاری این اموال اشاره کرد.

در ابتدا لازم است میان ارزش اموال فکری و قیمت آن تمایز قائل شویم، اگرچه ممکن است این دو، مفاهیمی مترادف پنداشته شوند.

• **قیمت اموال فکری**، مبلغی است که خریدار و فروشنده درباره‌ی آن توافق می‌کنند که ممکن است با ارزش واقعی آن مال تفاوت داشته باشد.

• در مقابل، **ارزش مال فکری**، به‌معنای سودی است که از آن مال حاصل خواهد شد.

برای ارزش‌گذاری اموال فکری باید پارامترهایی را مورد توجه قرار داد. توجه به این پارامترها پیش از ورود به فرآیند ارزش‌گذاری، در تصمیم‌گیری صحیح و اتخاذ روش مناسب ارزش‌گذاری راه‌گشا خواهد بود. این پارامترها عبارتند از: ۱. نوع مال فکری که قرار است ارزش‌گذاری شود. (پتنت، کپی‌رایت، طرح صنعتی، سرّ تجاری، دانش فنی، علامت تجاری) ۲. شخصی که ارزش‌گذاری برای او انجام می‌شود.

۳. هدف ارزش‌گذاری

۴. تاریخ ارزش‌گذاری

۵. روش ارزش‌گذاری که برای شرایط مذکور مناسب است.

ب) روش‌های ارزش‌گذاری

ارزش‌گذاری اموال فکری به روش‌های گوناگونی انجام می‌شود که هریک برمبنای متفاوتی عمل می‌کند و می‌توان بسته به شرایط، معیارهای موردنظر و پارامترهای گفته‌شده،

از روش ویژه‌ای استفاده کرد. این روش‌ها عبارتند از:

۱. **روش مبتنی‌بر هزینه:** در این روش، ارزش مال فکری براساس هزینه‌هایی که برای ایجاد و توسعه‌ی آن مال صرف شده است، محاسبه می‌شود. این روش به دو شکل است:

- روش **هزینه‌ی تولید مجدد:** در این روش هزینه‌های مورد نیاز برای تولید مجدد دارایی فکری با همان مشخصات محاسبه می‌شود و به‌عنوان ارزش آن دارایی به‌شمار می‌آید.

- روش هزینه‌ی **جایگزینی:** در این روش می‌توان قیمت دارایی فکری دیگری که از لحاظ ویژگی‌ها و خصایص اساسی، با دارایی فکری موردنظر ما شباهت دارد را استعلام کرد و ارزش مال فکری را تخمین زد. البته این روش زمانی اجرایی است که دارایی فکری مشابهی موجود باشد و استعلام قیمت آن ممکن باشد.

[معمولا برای قیمت‌گذاری پیش از مذاکرات و چانه‌زنی‌ها یا محاسبه‌ی میزان حق امتیاز (روایاتی) به‌کار می‌رود.]

نکته‌ی ۱: در هر دو روش، هزینه‌ها در زمان انجام ارزیابی ملاک است، نه در زمان ایجاد این اموال.

نکته‌ی ۲: مهم‌ترین اشکال این روش آن است که به درآمد و منافع اقتصادی حاصل از اموال فکری توجه چندانی نمی‌شود.

۲. **روش مبتنی‌بر بازار/ارزش‌گذاری بازار مشابه یا قابل مقایسه:** در این روش، برای ارزش‌گذاری دارایی‌های فکری، این اموال با اموال مشابهی که به‌تازگی معامله شده‌اند، مقایسه می‌شوند. با توجه به این‌که ارزش‌گذاری در این روش براساس سایر معاملات مشابه و قابل مقایسه انجام می‌شود، در نتیجه، هر چه تعداد معاملات آزاد در بازار بیش‌تر باشد، نتیجه‌ی حاصل نیز بهتر خواهد بود. به بیان دیگر، هرچه بازار فعال‌تر و پویاتر باشد و معاملات مشابه بیش‌تری منعقد شود، روش بازار نیز قابل اعتمادتر خواهد بود. بدیهی است که در فقدان چنین موقعیتی در بازار، ارزش‌گذاری براساس این روش نیز سخت‌تر و کم اعتبارتر است.





نکته: می‌توان یکی از معایب این روش را دشواری کسب اطلاعات سایر معاملات دانست. زیرا طرفین معاملات اموال فکری معمولاً اطلاعات معاملات خود را علنی نمی‌کنند و محرمانه فعالیت می‌کنند که همین امر دستیابی به اطلاعات حاصل از این معاملات را با سختی مواجه می‌سازد.

۳. روش مبتنی‌بر درآمد: توجه به قابلیت درآمدزایی محصولات فکری طبق دیدگاه مبتنی‌بر درآمد، ارزش مال فکری با توجه به درآمدی که احتمالاً در آینده از آن مال به‌دست می‌آید، محاسبه می‌شود. اگرچه این دیدگاه نسبتاً دقیق است، اما فقدان بازار برای محصول موردنظر را در نظر نمی‌گیرد.

۴. معافیت از پرداخت حق امتیاز: در این روش به میزان هزینه‌ای که شرکت در نداشتن دارایی فکری خاصی متحمل می‌شد، توجه می‌شود. چه آن‌که در فقدان مال فکری موردنظر، شرکت مجبور به پرداخت حق امتیاز (روپالتی) به شخص دیگری برای بهره‌مندی از دارایی فکری او باشد. بنابراین ارزش‌گذاری برمبنای میزان حق‌الامتیاز انجام می‌شود. در زمان تعیین حق امتیاز (روپالتی) باید توجه داشت قراردادهای لیسانس مورد بررسی از نظر موضوع قرارداد، صنعت وابسته، ویژگی‌های جغرافیایی، شیوه‌های پرداخت و بازه‌ی زمانی (طول مدت قرارداد) مشابه باشند.

ج) آیین‌نامه‌ی ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در طرح‌های سرمایه‌گذاری

در ایران با توجه به رشد کسب‌وکارهایی که بخش عمده‌ی دارایی آن‌ها را اموال فکری تشکیل می‌دهد، قانون‌گذار با درک درست از ضرورت ارزش‌گذاری این نوع اموال، آیین‌نامه‌ی «ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود در طرح‌های سرمایه‌گذاری» را در هفدهم اردیبهشت سال ۱۳۹۶ به تصویب هیئت وزیران رساند. طبق مقررات مندرج در این آیین‌نامه، متقاضیان ارزش‌گذاری

دارایی‌های نامشهود با مراجعه به سامانه‌ی ارزش‌گذاری، تقاضای ارزش‌گذاری اموال نامشهود موردنظر خود را مطرح می‌کنند و از خدمات هیئت کارشناسان و/یا شرکت یا موسسه‌ی ارزش‌گذاری برخوردار می‌شوند. می‌توان آیین‌نامه را از این نظر حائز اهمیت دانست که برای نخستین‌بار به مقوله‌ی ارزش‌گذاری اموال غیرمادی توجه داشته است. این امر حاکی از افزایش آگاهی‌ها درباره‌ی ارزش و جایگاه دارایی‌های نامشهود و لزوم نظارت‌بر روند ارزش‌گذاری این نوع از اموال است. در ادامه چند ماده از این آیین‌نامه بررسی می‌شود.

ماده‌ی ۱ آیین‌نامه، دارایی‌های نامشهود را این‌گونه تعریف می‌کند:

«دارایی غیرپولی که ماهیت عینی ندارد و از حقوق قراردادی یا سایر حقوق قانونی ناشی می‌شود. صرف‌نظر از این‌که چنین حقوقی قابل انتقال یا جداسدنی باشد یا نباشد.»

با توجه به آن‌چه در ماده‌ی ۱ مقرر شده است، دارایی نامشهود در مقابل دارایی فیزیکی و عینی قرار دارد. این نوع از دارایی‌ها مصادیق متعددی دارند که لزوماً تمامی آن‌ها از حمایت حقوق مالکیت فکری برخوردار نیستند. برای نمونه، مدل‌های کسب‌وکار گرچه از حمایت اختراعات خارج‌اند اما جزئی از دارایی‌های نامشهود تلقی می‌شوند.

ماده‌ی ۲ آیین‌نامه، نهادهای مشمول آیین‌نامه را مشخص می‌کند:

«تمام طرح‌های سرمایه‌گذاری که یک طرف آن‌ها دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده‌ی ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری بوده و تمام یا بخشی از موضوع قرارداد، انتقال یا تجویز بهره‌برداری از اصل یا منافع دارایی‌های نامشهود باشد یا به‌عنوان آورده‌ی سرمایه‌گذار ارائه شود و نیز دارایی‌های نامشهودی که تحت قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی وارد کشور و یا از کشور خارج می‌شود، مشمول مقررات این آیین‌نامه است.»

ملاحظه می‌شود که طبق ماده‌ی ۲، شرایط ویژه‌ای ذکر شده است که قلمرو اجرای آیین‌نامه را محدود می‌کند:

۱. آیین‌نامه صرفاً ناظر به طرح‌های سرمایه‌گذاری است.

۲. یک طرف این طرح‌ها باید دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده‌ی ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری باشد. این دستگاه‌ها عبارتند از وزارتخانه‌ها، موسسات دولتی، موسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و تمامی دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی.

واضح است که با وجود چنین مقرره‌ای، نمی‌توان آیین‌نامه‌ی حاضر را بر آن دسته از طرح‌های سرمایه‌گذاری قابل اعمال دانست که هر دو طرف آن‌ها شرکت‌های خصوصی هستند. این در حالی است که مشارکت بخش خصوصی در بسیاری از طرح‌های سرمایه‌گذاری رو به افزایش است و اعمال چنین محدودیتی توجیه‌پذیر نیست.

محدودیت دیگری که از بخش تعاریف آیین‌نامه قابل استنباط است، محدود کردن متقاضی ارزش‌گذاری به اشخاص حقوقی است. طبق این تعریف، متقاضی ارزش‌گذاری هر شخص حقوقی است که به گزارش‌های ارزش‌گذاری نیاز داشته باشد. با این اوصاف واضح است که مخترعان منفرد و اشخاص حقیقی که اختراعی را به ثبت رسانده‌اند، نمی‌توانند تقاضای ارزش‌گذاری دارایی فکری خود را بدهند. این درحالیست که ارزش‌گذاری دارایی‌های فکری نباید مختص اشخاص حقوقی باشد و مخترعان منفرد نیز باید از این خدمات برخوردار شوند. همین امر می‌تواند آنان را در انعقاد قراردادهای انتقال و اعطای مجوز بهره‌برداری از اختراع خود یاری دهد.

البته به نظر می‌رسد اگر ارزش‌گذاری اموال فکری در ایران بلافاصله پس از ثبت این اموال در سازمان ثبت انجام شود و درواقع سازمان ثبت و مرکز مالکیت معنوی برای تمامی اموال فکری ثبت شده درخواست ارزش‌گذاری به کمیته‌ی

مزبور را دهند، موجبی برای درخواست اشخاص حقیقی (مخترعان منفرد) برای ارزش‌گذاری مال فکری خود از کمیته مزبور نخواهد بود.

گفتنی است که کشور چین از این الگو استفاده می‌کند و اختراعات در این کشور هم‌زمان باثبت، ارزش‌گذاری می‌شوند. به عقیده برخی:

ثبت و ارزش‌گذاری طرح‌ها و اختراعات باعث می‌شود که مخترع طرح از قیمت آن مطلع شود و با توجه به مصوبات دولتی بتواند براساس ارزش طرح خود، تسهیلات از بانک دریافت کند و نیازی به دریافت منابع مالی دولتی نباشد، در حالی‌که در کشور ما به این شکل نیست. این روش حتی به مخترعان و صاحبان طرح‌ها و ایده‌ها این قابلیت را می‌دهد که با مشخص شدن ارزش و قیمت طرح خود، بتوانند خودشان طرح را تجاری‌سازی کنند و از صندوق و مشکلات ضمانت آن دور شوند.

ماده‌ی ۳ آیین‌نامه، اصول و روش‌های ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود را این‌گونه توضیح می‌دهد:

الف) ارزش‌گذاری باید با رعایت اصول محرمانگی، شفافیت، بی‌طرفی و اجتناب از تعارض منافع و براساس مطالعات بازار داخلی و بین‌المللی، تحلیل مالی، تجاری و اقتصادی، در کنار ارزیابی ابعاد فناورانه و محاسبه‌ی ریسک (خطر)های مربوط باشد. هم‌چنین، کیفیت و کمیت داده‌ها و اطلاعات، منبع، مستندات، هدف ارزش‌گذاری و روش‌های استفاده‌شده به‌طور مستند تشریح شود.

ب) ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود نباید با استانداردهای حسابداری الزام‌آور مغایر باشد و باید متناسب با نوع، ماهیت و هدف تعیین شده برای ارزش‌گذاری، براساس یک یا ترکیبی از روش‌های علمی و معتبر ارزش‌گذاری از جمله هزینه‌محور، بازارمحور و درآمد‌محور انجام شود.

پ) تمام مصادیق مالکیت فکری از قبیل اختراع، طرح صنعتی، نام و علائم تجاری و آثار ادبی و هنری **منوط به این‌که استفاده از آن‌ها خلاف عرف و مقررات عمومی نباشد**، قابل ارزش‌گذاری هستند.



واضح است که تعیین روشی واحد و یک‌سان برای ارزش‌گذاری تمامی اموال فکری میسر نیست و نمی‌توان نسخه‌ای واحد برای تمامی حقوق فکری تجویز کرد. در بند (ب) آیین‌نامه نیز روش معینی برای ارزش‌گذاری تعیین نشده و بسته به نظر کارشناسان ارزش‌گذاری که هر یک در نوعی از اموال فکری تخصص دارند، روش مناسب انتخاب خواهد شد.

برگرفته از:

- روح‌الله استیری، عبدالمجید مرشدی، علیرضا شاعری، ارزش‌گذاری مالکیت فکری، مجله پارک فناوری پردیس، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۶
- روش‌های ارزش‌گذاری اموال فکری، مندرج در سایت همکاران سیستم: <https://www.systemgroup.net/intellectual-property/>
- ارزش‌گذاری اختراعات و طرح‌های بازار دارایی فکری باید اجرایی شود، مندرج در سایت خبرگزاری ایرنا:

<http://www.irna.ir/fa/News/81572692>

- John, Turner, valuation of intellectual property assets: valuation techniques: parameters, methodologies and limitations, available at: <http://www.wipo.int/export/sites/>

روش‌های ارزش‌گذاری نرم‌افزار

«تولید نرم‌افزار» اتفاق تازه‌ای در بازار ایران نیست و حجم درخور توجهی از بازار IT ایران به آن مشغول هستند؛ اما به‌رغم پیشینه و سهم بازار، هنوز در شیوه‌های ارزیابی آن در جایگاه «سرمایه» ابهاماتی وجود دارد. در این مطلب مهندس حسین رزاقی؛ کارشناس رسمی دادگستری در حوزه‌ی کامپیوتر و فناوری اطلاعات به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که؛

- با چه مدل‌ها و روش‌هایی می‌توان نرم‌افزار را ارزیابی و ارزش‌گذاری کرد؟**
- آیا این روش‌ها در مقایسه با یک‌دیگر دارای مزایا و معایبی هستند؟**
- و در انتها به این پرسش پاسخ می‌دهند که؛**
- کدام روش برای بازار ایران مناسب‌تر است؟**

روش‌های ارزیابی نرم‌افزار، مزایا و معایب آن‌ها

مهندس رزاقی: به‌طور کلی می‌توان پنج روش را برای ارزیابی نرم‌افزار نام برد که به فراخور مورد و اقتضای شرایط از آن‌ها استفاده می‌شود.



روش	نوع	مزایا	معایب
تخمین براساس مقایسه Analogy – Based	غیرالگوریتمی	- تخمین، مبتنی‌بر تجربیات واقعی گذشته و دانش متخصصان است. - منابع جدید یا تخصص ویژه‌ای نیاز ندارد.	- حجم بالایی از اطلاعات در مورد پروژه‌های گذشته مورد نیاز است. - گاهی پروژه‌های مشابه در گذشته دردسترس نیستند.
تخمین کارشناس (متخصص) Expert – Based	غیرالگوریتمی	- تخمین، با استفاده از تجربیات متخصصان سریع‌تر است. - با پروژه‌های خاص سازگاری دارد. - امکان اعمال تأثیرات ناشی از فناوری‌ها، معماری‌ها، نرم‌افزارهای کاربردی و زبان‌های برنامه‌نویسی جدید توسط متخصصان فراهم است.	- عوامل موثر در تخمین قابل مستندسازی و اندازه‌گیری نیستند. - این روش، مکمل روش‌های دیگر است.
COCOMO	الگوریتمی	- قابلیت تولید نتایج تکراری و برآوردها را دارد. - تغییر داده‌های ورودی ساده است. - تصحیح و سفارشی‌سازی فرمول‌ها ساده است. - نتایج آن شفاف است.	- تخمین نادرست، به‌دلیل این‌که در ابتدای پروژه، اندازه‌ی آن نامشخص است. - اطلاعات فراوانی مورد نیاز است. - برای هر پروژه‌ای مناسب نیست.
Function point	الگوریتمی	- تخمین براساس نیازمندی‌ها یا مشخصات طراحی نرم‌افزار انجام می‌شود. - از ابزار و متدولوژی پیاده‌سازی و زبان برنامه سازی مستقل است. - نتایج آن از روش‌های مبتنی‌بر تعداد خطوط برنامه بهتر است.	- اجرای آن به‌ویژه به‌شکل مکانیزه مشکل است. - پس از طراحی قابل استفاده است. - تخمین مناسبی ارائه نمی‌دهد.
Use case point	الگوریتمی	- تخمین براساس کاربردها و کنش‌گران است. - قابلیت تولید نتایج تکراری دارد. - تغییر پارامترهای موثر در تخمین ساده است. - نتایج آن شفاف است.	- در مراحل اولیه‌ی پروژه، به‌کار نمی‌آید. - کاربرد استاندارد وجود ندارد. - مشکلات تخمین نگهداری و پشتیبانی دارد. - شناسایی کنش‌گران نیازمند اطلاعات فنی است.

روشی توسعه‌یافته و سفارشی‌سازی‌شده براساس فرضیات تئوری‌های علمی و مبتنی‌بر تجربیات عملی و بر پایه‌ی حجم کار استفاده می‌کنیم.

روش‌های ارزیابی مناسب برای ایران

مهندس رزاقی: استفاده از روش‌های کاملاً علمی که مطابق با شرایط کشورهای دیگر طراحی شده است در ارزش‌گذاری نرم‌افزار در ایران کاربردی نیست. در نتیجه، از

وثیقه‌گذاری اموال فکری در نظام حقوقی ایران

نقش اموال فکری در تولید ثروت، منحصر به درآمدهای حاصل از انتقال و اعطای مجوز بهره‌برداری این اموال نیست. اموال فکری می‌توانند به‌عنوان تضمین برای دریافت وام استفاده شوند و بدین ترتیب در تامین مالی طرح‌ها و پروژه‌های مختلف ایفای نقش کنند.

ارزش واقعی اموال فکری فقط در درآمدهایی که به‌طور مستقیم از آن‌ها ناشی می‌شود، خلاصه نمی‌شود. اموال فکری می‌توانند به‌عنوان رهن و وسیله‌ای برای تامین مالی پروژه‌های مختلف به‌کار روند.

استفاده از اموال فکری به‌عنوان تضمین، نشان‌دهنده‌ی بازار تکنولوژی قوی یک کشور است.

رهن اموال فکری این‌گونه است که وام‌گیرنده (که در این‌جا مالک مال فکری است)، حق فکری خود (مثلا حق اختراع خود) را به‌عنوان تضمین دریافت وام قرار دهد یا این کار را به نفع وام‌گیرنده‌ی دیگری انجام دهد. در واقع آن‌چه در گرو بانک قرار می‌گیرد، حق فکری است که برای نمونه در مورد حق اختراع، شامل حق فروش، بهره‌برداری، تولید و... است. امکان وثیقه‌گذاری اموال فکری در حقوق ایران در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و با موانع حقوقی بسیاری مواجه است. ولی این محدودیت‌ها فقط ناظر به موانع حقوقی نیست بلکه موانع اجرایی و ریسک‌های مالی که بانک‌ها در پرداخت تسهیلات در برابر وثیقه گرفتن اموال فکری با آن‌ها مواجه هستند نیز پذیرش و اجرای رهن اموال فکری را مشکل‌تر می‌سازد.

الف: موانع حقوقی وثیقه‌گذاری دارایی فکری ۱. قانون مدنی

در قانون مدنی گرو گذاشتن مال در قالب رهن انجام می‌شود و مقررات قانون در این زمینه به‌شدت محدودکننده است. • ماده‌ی ۷۷۴ قانون مدنی یکی از مهم‌ترین موانع رهن اموال غیرمادی در حقوق ایران است که مقرر می‌دارد: «مال مرهون باید عین معین باشد و رهن دین و منفعت باطل است.» منظور از عین معین بودن مال مورد رهن این است که این مال وجود خارجی داشته، قابل رؤیت و معین باشد، به‌طوری‌که بتوان مشخصا به آن اشاره کرد. مانند این میز، این کتاب، این کمد و...

واضح است که با وجود چنین مقرره‌ای در قانون که مال موضوع رهن را تنها از میان اموال مادی می‌پذیرد، نمی‌توان مال فکری مانند حق اختراع، حق بهره‌برداری از علائم تجاری و سایر حقوق فکری را قابل وثیقه‌گذاری دانست.

• ماده‌ی ۷۷۲ قانون مدنی مانع دیگری در پذیرش رهن اموال فکری است. این ماده مقرر می‌دارد: «مال مرهون باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که بین طرفین معین می‌گردد، داده شود ولی استمرار قبض شرط صحت معامله نیست.»

منظور از قبض مال مرهونه توسط مرتهن، تحویل دادن آن مال به مرتهن است. آن‌چه با دیدن ظاهر ماده به ذهن می‌رسد این است که مال باید مادی و قابل لمس باشد تا بدین ترتیب قابل تحویل و تسلیم به کسی باشد و از آن‌جا که اموال فکری، به این مفهوم قابل قبض نیستند پس

رهن این نوع اموال نیز ممکن نیست.

هر چند برخی نویسندگان تلاش کرده‌اند با ارائه‌ی دلایل و توجیهات مختلف مواد ۷۷۲ و ۷۷۴، قانون مدنی را به شیوه‌ای تفسیر کنند که اموال فکری نیز مشمول مواد قانونی راجع به رهن قرار گیرد و بدین ترتیب از بطلان رهن این اموال جلوگیری کنند، ولی واقعیت این است که این استدلال‌ها نتوانسته است عموم نویسندگان و دادگاه‌ها را قانع کند و به رویه‌ای قاطع و غالب تبدیل شود.

۲. مقرراتی که پس از قانون مدنی تصویب شده‌اند

این مقررات رویکردی متفاوت با قانون مدنی رادریزش گرفته‌اند که در این زمینه مشخصا دو قانون قابلیت بررسی دارند:

۱. «قانون عدم‌الزام سپردن وثیقه ملکی به بانک‌ها و دستگاه‌ها و سایر موسسات و شرکت‌های دولتی به‌منظور تسهیل امر سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بیش‌تر در طرح‌های تولیدی و صادراتی» مصوب ۱۳۸۰ است. به موجب این قانون، طیف وسیعی از اموال قابلیت وثیقه گذاشتن را دارند که در کل با قانون مدنی متفاوت و مغایر است. هر چند در این قانون نامی از دارایی‌های فکری برده نشده است، ولی تصریح به امکان وثیقه گذاشتن اموال غیرمادی مانند سهام شرکت‌ها، حساب‌های بانکی و... زمینه‌ساز تحولات مهمی در این زمینه شده است.

۲. «قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانک‌ها»

مصوب ۱۳۸۹ است. این قانون حاوی مقرراتی در زمینه‌ی وثیقه است که با مندرجات قانون مدنی ناسازگار است. ماده‌ی ۱ این قانون مقرر می‌دارد:

«به‌منظور تسریع، تسهیل و تقویت سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی (اعم از کالا یا خدمت) دریافت وثیقه خارج از ارزش دارایی و عواید آتی طرح، از گیرندگان تسهیلات که توان مجری و توجیه اقتصادی، فنی و مالی و قابل ترهین طرح آن‌ها

به تایید بانک می‌رسد، توسط بانک‌های عامل ممنوع است.» عواید آتی طرح که در این قانون قابل وثیقه‌گذاری معرفی شده‌اند، نه تنها مال مادی یا عینی نیست، بلکه اساسا در هنگام وثیقه‌گذاری نیز وجود ندارد و مقررات این قانون از این جهت بسیار پیشرفته است؛ هر چند به‌واسطه‌ی برخی ابهامات، این قانون تاکنون به‌طور کامل موقعیت اجرایی پیدا نکرده است.

•• یکی از مسائلی که درباره‌ی وثیقه‌ی مال فکری مطرح می‌شود، منافعی است که پس از انعقاد عقد رهن، از مال مرهونه حاصل می‌شود. در این‌باره به نظر می‌رسد منافع، جدای از وثیقه است و مرتهن بر آن حق ندارد (مگر در صورت شرط خلاف)، اما باید تمامی این موارد در قرارداد ذکر شود تا از اختلافات بعدی جلوگیری شود. هم‌چنین مرجعی که حق مرتهن را در مورد مال فکری مرهونه به ثبت می‌رساند، موظف به درج این نکته در اسناد ثبت خواهد بود.

•• موضوع دیگری که نیاز به توجه دارد، محصولاتی است که از چند مال مادی و فکری ترکیب شده‌اند. به‌طوری‌که نتوان آن‌ها را از هم جدا کرده و برای هر یک جداگانه تعیین تکلیف کرد. برای نمونه، ممکن است یک محصول متشکل از حق اختراع، علامت تجاری و طرح صنعتی باشد. حال این پرسش مطرح است که آیا می‌توان در این شرایط برای کل این اموال قرارداد وثیقه منعقد کرد؟ طبیعتا پاسخ مثبت است؛ اما قطعا بستگی به این دارد که متقاضیان دریافت تسهیلات، وثیقه بر کل حقوق فکری خود را می‌پذیرند یا خیر.

ب: موانع اجرایی وثیقه‌گذاری دارایی فکری

باید توجه داشت که دشواری پذیرش رهن اموال فکری در ایران تنها ناشی از خلأ قانونی و کاستی‌های حقوقی نیست. حتی اگر نواقص قانونی نیز رفع شود، باز هم پذیرش رهن اموال فکری با تردید جدی مواجه است که می‌توان دلیل اصلی آن را ریسک بالای اموال فکری و نبود سازوکاری مشخص برای مقابله با آن و ارزش‌گذاری اموال فکری دانست.



ریسک‌های اموال فکری:

ریسک‌های مترتب بر وثیقه‌گذاری اموال فکری را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

• ریسک پذیرش بازار: این‌که مال فکری با ورود

به بازار مورد استقبال و پذیرش قرار می‌گیرد یا خیر، یکی از ریسک‌های مرتبط با اموال فکری است. ممکن است انتظارات مادر فروش مال فکری محقق نشود یا فروش محصول فکری کم‌تر از تصورات و پیش‌فرض‌ها بوده باشد.

• ریسک متروک شدن: این امکان نیز وجود دارد

که محصول فکری در ابتدا موفق باشد و مورد استقبال قرار گیرد اما پس از مدتی ارزش خود را از دست بدهد و با شکست مواجه شود.

• ریسک حفظ اموال فکری: محافظت از اموال

فکری نیز با ریسک مواجه و مستلزم صرف هزینه است. منظور از محافظت از اموال فکری آن است که از نقض حقوق ناشی از دارایی‌های فکری جلوگیری شود. اگر نقض حق شود و نسخه‌های تقلبی و مجعول از محصول تولیدی موردنظر در بازار عرضه شود، فروش مال اصیل و واقعی کاهش می‌یابد و حتی این احتمال وجود دارد که به‌دلیل تفاوت قیمت مال مجعول با مال اصیل، محصول جعلی به‌طور کامل جای محصول اصلی را بگیرد و ضربه‌ای مهلک به بازار فروش مال فکری وارد آورد. بنابراین تولید مال فکری و عرضه‌ی آن در بازار تنها گام اول است و کسب موفقیت در بازار، مستلزم برداشتن گام‌های بعدی در حفاظت از این اموال خواهد بود.

• ریسک‌های قانونی: محدودیت‌های قانونی و

ذاتی موجود در اموال فکری، مانند محدودیت‌های قانونی حمایت از اموال فکری است.

پ- تامین مالی در دارایی‌های فکری با اوراق بهادارسازی آن‌ها (Securitization)

تامین مالی به پشتوانه‌ی دارایی‌ها در بازار مالی دنیا سابقه‌ای طولانی دارد و در این مسیر علاوه‌بر دارایی‌های فیزیکی و

مادی، به‌عنوان شاخص‌ترین و مهم‌ترین نمونه، مطالبات موضوع وام‌ها نیز به پشتوانه‌ی اسناد رهنی که برای آن‌ها تنظیم شده، در این فرآیند مورد توجه بوده است که با نام «اوراق قرضه رهنی» نیز معروف است و با توجه به استقرار نظام بانک‌داری اسلامی در ایران، این روش تامین مالی در نظام حقوقی ایران هم تحت عنوان صکوک (یا اوراق بهادار اسلامی) مورد پذیرش قرار گرفته است.
منتها در گذر از اوراق بهادارسازی دارایی‌ها از اموال مادی به انجام این امر در اموال فکری، نیاز به برخی اصلاحات بوده است. برای نمونه کشور هند قوانینی را به تصویب رسانده تا از منظر حقوقی، زمینه‌های لازم برای تبدیل دارایی‌های فکری به اوراق بهادار را فراهم کند، قانون «اوراق بهادارسازی و بازسازی دارایی‌های مالی و اجرای منافع/ بهره‌ی وثیقه»^۱ مصوب ۲۰۰۲ به‌طور خاص به این امر اشاره می‌کند. انجام عملیات یادشده در کشور هند هم‌چنان در حال رشد است.

کشور ژاپن نیز در ابتدا تغییراتی را در قوانین خود اعمال کرد. با این روش که در سال ۲۰۰۰، اصلاحاتی در قانون اوراق بهادارسازی^۲ کشور انجام داد و محدودیت‌های ناظر بر قلمرو اموالی که در این فرآیند می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند را حذف کرد و دامنه‌ی این اموال را گسترش داد. در سال ۲۰۰۲ نیز اوراق بهادارسازی در حوزه‌ی کپی‌رایت حق پخش^۳ فیلم در ژاپن انجام شد. شیوه‌ی عمل نیز بدین گونه بود که شرکت شوچیکو^۴ حق پخش ۳۴ فیلم را به شرکت تلویزیونی توکیو اعطا کرد، سپس با انتقال حق خود به یک SPV، از حق‌الامتياز ناشی از این قرارداد به‌عنوان تضمین برای انتشار اوراق استفاده کرد. در سال ۲۰۰۳ نیز این تجربه در مورد حق اختراع در ژاپن انجام شد.

در ایالات متحده آمریکا هم در ابتدا به‌دلیل عدم اطمینان از جریان نقدی درآمدهای آینده ناشی از اموال فکری، اوراق بهادارسازی در مورد این اموال انجام نمی‌شد. اما در سال ۱۹۹۷، برای نخستین بار، دیوید بویی؛ خواننده‌ی راک اهل انگستان، اوراق قرضه‌ای را صادر کرد که از نظر مالی مبتنی‌بر حق‌الامتياز آینده‌ی آثار موسیقایی او (شامل ۲۵ آلبوم) بود و ۵۵میلیون دلار را به بازارهای مالی آمریکا تزریق کرد.

^[1] ویژه‌نامه‌ی روز جهانی مالکیت فکری • ۲۵

^[2] 1.Securitization, Asset Reconstruction and Enforcement of Security Interest Act (2002) / 2.Securitization law / 3.Broadcasting right / 4.Shochiku Co., Ltd



رویالتی فارما^۵ نیز شرکت آمریکایی دیگری بود که در سال ۲۰۰۳، به پشتوانه‌ی پتنت‌های دارویی خود اوراق قرضه‌ای به قیمت ۲۲۵ میلیون دلار صادر کرد.

SPV

Special Purpose Vehicle یا SPV به معنای «شرکت با هدف خاص» است. SP، ها، SPE^۶ها یا SPC^۷ها موسسات مستقلی هستند که تنها برای هدفی موقت و خاص تاسیس و پس از انجام هدف مزبور منحل می‌شوند.

این موسسات معمولاً به‌شکل شرکت سهامی^۸، شرکت با مسوولیت محدود^۹، شرکت تضامنی^{۱۰} یا تراست^{۱۱} ایجاد می‌شوند و ریسک ناشی از رهن اموال فکری را کاهش می‌دهند.

در واقع دارایی‌های وام‌گیرنده (دریافت‌کننده‌ی تسهیلات)، به SPV انتقال می‌یابد تا از خطرات احتمالی، مثلاً ورشکستگی او در امان بماند. پس از وثیقه‌گذاری و انتقال مال به SPV، اموال انتقال داده شده از ترازنامه‌ی شرکت انتقال‌دهنده پاک می‌شود، می‌توان این اقدام را نوعی محبوس کردن ریسک‌های مرتبط با بدهی‌های شرکت در SPV دانست که به آن اوراق بهادارسازی، با فروش واقعی (True Sale) گفته می‌شود. روند کار این گونه است که SPVها اوراق قرضه^{۱۲} صادر می‌کنند و منشأ صدور آن‌ها نیز همان دارایی‌های انتقال‌یافته است، سپس عواید و تمام آن‌چه از اوراق قرضه حاصل شده است را به انتقال‌دهنده پرداخت می‌کنند که به‌عنوان عوض در برابر دارایی‌هایی است که به SPV انتقال داده شده است.

استفاده از SPVها نیز به دو نوع مختلف است. برای نمونه اوراق بهادارسازی برندها در ایالات متحده‌ی آمریکا به دو شیوه انجام می‌شود:

۱. اوراق بهادارسازی مبتنی‌بر فروش واقعی^{۱۳}: در این نوع اوراق بهادارسازی، مالکیت برند به یک SPV فروخته می‌شود که می‌تواند دوباره از طریق سرمایه‌گذاری به سرمایه‌گذار یا شخص ثالثی فروخته شود.

۲. اوراق بهادارسازی ترکیبی^{۱۴}: که در آن، تمامی

ریسک‌های مرتبط با برند به SPV انتقال داده می‌شود و شرکت انتقال‌دهنده، مالکیت برند را برای خود نگه می‌دارد. به نظر می‌رسد که فرآیند اوراق بهادارسازی دارایی‌ها هرچند مستقیماً مشکل وثیقه‌گذاری دارایی‌های فکری را حل نمی‌کند ولی با در نظر گرفتن هدف غایی وثیقه‌گذاری که همانا تامین مالی است، مشکل را به گونه‌ای غیرمستقیم حل می‌کند.

برگرفته از:

- اصغر، محمودی، رهن اموال فکری در پرتو قانون مدنی و مطالعه تطبیقی، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱
- محمد، عیسائی تفرشی، مرتضی، نصیری، مرتضی، شهبازی‌نیا، فریده، شکری، وثیقه شناور در نظام حقوقی ایران و آمریکا، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹
- محمود باقری، محمود جعفری چالشتی، تحلیل اقتصادی رهن اموال فکری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۲.

- Ruth L. Taylor, Rudy Becera, Securitization of brand names: Basic concepts and its use in practice, Patricia Stuart, Spencer A. Case, Brand Management Vol. 17, 2009
- Law Wire Team, Intellectual Property Securitization: A good strategy? , Available at: <http://lawinfofire.com/articleinfo/intellectual-property-securitization-good-strategyij>
- Hiroyuki, Watanabe, Intellectual Property as Securitized Assets, available at: https://www.iip.or.jp/e/e_summary/pdf/detail2003/e15_20.pdf
- Andrew Quinn, David Burke, Ireland: An Ideal Location for Intellectual Property Securitization, Available at: <http://www.mondaq.com/ireland/x/321920/securitization+structured+finance/An+Ideal+Location+For+Intellectual+Property+Securitisat>

Powering change: Women in innovation and creativity

World Intellectual
Property Day 2018
April 26

درباره‌ی روز جهانی مالکیت فکری و رویکرد سال ۲۰۱۸

در سال ۲۰۰۰ میلادی دولت‌های عضو وایپو تصمیم گرفتند که روز ۲۹ آوریل -روزی که کنوانسیون وایپو در سال ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا شد- را با هدف افزایش آگاهی عمومی درباره‌ی مالکیت فکری، «روز جهانی مالکیت فکری» تعیین کنند. این روز فرصت مغتنمی است که یادآوری کنیم چه‌طور مالکیت فکری در شکوفایی هنر و اختراعات تکنولوژیکی نقش داشته است و چه‌طور به شکل گرفتن دنیای جدید کمک کرده است.

جالب است بدانید که وایپو هر سال نام ویژه‌ای را برای این روز تعیین می‌کند که هر کدام از آن‌ها، مبنای فعالیت‌های وایپو در آن سال قرار می‌گیرد:

- ۲۰۱۷- اختراع: بهبود زندگی
- ۲۰۱۶- خلاقیت دیجیتال: فرهنگ دوباره تصویر شده
- ۲۰۱۵- بیدار شو، برخیز برای موسیقی
- ۲۰۱۴- فیلم‌ها: یک علاقه‌مندی جهانی
- ۲۰۱۳- خلاقیت: نسل بعدی
- ۲۰۱۲- مخترعان رویاپرداز
- ۲۰۱۱- طراحی آینده
- ۲۰۱۰- نوآوری: ارتباط‌دهنده‌ی دنیا
- ۲۰۰۹- ارتقا نوآوری به‌عنوان کلید آینده مطمئن
- ۲۰۰۸- جشن نوآوری و احترام به مالکیت فکری
- ۲۰۰۷- ارتباط بین مالکیت فکری و خلاقیت
- ۲۰۰۶- مالکیت فکری با یک ایده شروع می‌شود
- ۲۰۰۵- فکر کن، تصور کن و خلق کن
- ۲۰۰۴- اهمیت مالکیت فکری برای اقتصاد و توسعه فرهنگی و اجتماعی

- ۲۰۰۳- مالکیت فکری را کسب‌وکار خود کنید
- ۲۰۰۲- تشویق خلاقیت
- ۲۰۰۱- همین امروز آینده را خلق کنید

۲۰۱۸: زنان در نوآوری و خلاقیت

- نام‌گذاری روز جهانی مالکیت فکری در سال ۲۰۱۸ با نام «زنان در نوآوری و خلاقیت»، با این هدف است که:
- نقش زنان فعال در حوزه مالکیت فکری در زمینه‌های مختلف آن پُررنگ‌تر شود.
 - از زنان نوآور و خلاق (و البته تمامی افراد فعال در این حوزه) و تلاش آن‌ها برای این‌که ایده‌های فوق‌العاده‌شان را به بازار بیاورند، حمایت شود.

شکاف جنسیتی در فعالیت‌های نوآورانه با نگاهی به فعالیت‌های ثبت اختراع در ایران

نوشته‌ی مژگان سمندر علی اشتهاردی؛
محقق پسادکترای دانشگاه الزهرا، دکترای
اقتصاد از دانشگاه سانت آنا ایتالیا

نتایج مطالعه‌ی انجام شده برای یک دوره‌ی پنج‌ساله (۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲) روی مخترعان ایرانی که در این بازه‌ی زمانی موفق به ثبت اختراع خود در کشور شده‌اند (۲۶۷۱۸ ثبت اختراع) حاکی از آن است که تنها ۱۴ درصد مخترعان در کشور، زن بوده‌اند. این درحالی است که این زنان مخترع در ۲۰ درصد اختراعات به‌عنوان حداقل یکی از مخترعان حضور داشته‌اند. لازم به ذکر است که نرخ پایین حضور زنان در فعالیت‌های ثبت اختراع تنها مختص به ایران نیست و حتی در کشورهای توسعه‌یافته نیز مشاهده می‌شود. مطالعه‌ی فریشنچ و همکاران (۲۰۰۹) نشان می‌دهد که براساس اطلاعات سال ۲۰۰۵، نرخ مشارکت مخترعان زن در ثبت اختراع در ۱۴ کشور توسعه‌یافته^۱ بسیار پایین است و بیش‌ترین نرخ مشارکت زنان^۲ در کشور اسپانیا (۱۴ درصد) مشاهده می‌شود. این درحالی است که این نرخ در کشور ما در سال ۲۰۰۸، ۱۱ درصد بوده است.

نرخ پایین حضور زنان در
فعالیت‌های ثبت اختراع تنها
مختص به ایران نیست و حتی
در کشورهای توسعه‌یافته نیز
مشاهده می‌شود.

با این وجود، این درصد در تمام کشورها و هم‌چنین کشور ما روندی صعودی را دنبال می‌کند. این مقایسه زمانی می‌تواند کامل‌تر شود که به جایگاه زنان در کل اقتصاد نیز نگاهی بیاندازیم. درحالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته، زنان در کل اقتصاد نقش پُررنگی دارند (برای نمونه در اسپانیا ۵۴ درصد نیروی کار را زنان تشکیل می‌دهند)، این نرخ در کشور ما بسیار پایین است (براساس آمار سال ۲۰۱۴ بانک جهانی تنها ۱۷ درصد) اما نرخ مشارکت زنان ایرانی در فعالیت‌های نوآورانه چندان از کشورهای توسعه‌یافته پایین‌تر نیست. شاید بتوان دلیل این امر را بالا بودن نسبی نسبت تعداد دانشجویان و تحصیل‌کرده‌های زن ایرانی در رشته‌های STEM (مخفف برای علم، فناوری، مهندسی و ریاضی) در کشور دانست. این نرخ در کشورهای توسعه‌یافته بسیار پایین است. حدود ۴۴ درصد دانش‌جویان کشور در این دسته از رشته‌ها در دوره‌ی مطالعه، زن بوده‌اند.

دلیل این برابری نسبی مشارکت زنان در ایران با کشورهای توسعه‌یافته هرچه باشد، می‌تواند این نوید را به ما دهد که با گسترش اقتصاد مبتنی‌بر دانش و نوآوری، می‌توان شاهد حضور پُررنگ‌تر زنان در فعالیت‌های اقتصادی بود.

به‌منظور زمینه‌سازی رشد بیش‌تر زنان در فعالیت‌های نوآورانه می‌بایست به تمایزات افقی بین زنان و مردان مخترع نیز توجه کرد. مطالعه‌ی انجام شده در مورد کشور ایران، هم‌راستا با مشاهده‌های انجام شده در سایر کشورها حاکی از آن است که هرچند مشارکت بر حضور هم زنان و هم مردان به‌شکل معناداری تأثیر مثبت می‌گذارد، این اثر روی زنان مخترع بیش‌تر است و زنان تمایل به مشارکت بیش‌تری

”

دلیل این برابری نسبی مشارکت
زنان در ایران با کشورهای
توسعه‌یافته هرچه باشد،
می‌تواند این نوید را به ما دهد
که با گسترش اقتصاد مبتنی‌بر
دانش و نوآوری، می‌توان
شاهد حضور پُررنگ‌تر زنان در
فعالیت‌های اقتصادی بود.

“

دارند. هم‌چنین، زمانی‌که دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و سازمان‌های دولتی در ثبت اختراع نقش بازی می‌کنند، احتمال حضور زنان به‌طور معناداری در مقایسه با حضور شرکت‌های خصوصی یا اختراعاتی که تنها افراد حقیقی مالک ثبت اختراعات هستند، بیش‌تر است. اما برای مردان این امر کاملاً معکوس است (احتمال حضور مردان مخترع زمانی‌که مالکیت ثبت اختراع تنها افراد حقیقی یا شرکت خصوصی است به‌شکل معناداری بالاتر است).

می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت صنعت، دانشگاه و دولت، علاوه‌بر افزایش احتمال انجام اختراعات به‌صورت کل و تعداد اختراعات بیش‌تر، می‌تواند نقش پُررنگ‌تری برای زنان داشته باشد. چرا که هم زمینه‌سازی مشارکت و هم زمینه‌سازی پُررنگ کردن نقش دانشگاه‌ها و شرکت‌های دولتی را در این راستا فراهم می‌کند.

هم‌چنین، می‌توان مشاهده کرد که احتمال حضور زنان در برخی فعالیت‌های فناورانه هم‌چون نیازهای انسانی (براساس دسته‌بندی ثبت اختراعات IPC، گروه A) و فناوری‌هایی هم‌چون نساجی و کاغذ (گروه D) به‌شکل معناداری بیش‌تر است و با احتمال کم‌تری در بخش مکانیک، مهندسی، روشنایی، گرمایش و اسلحه (گروه F) دست به اختراع می‌زنند.



در همین رابطه بخوانید:

- باسکپ؛ اقدامات تجاری برای توقف جعل و سرقت دارایی‌های فکری / ۱۳۹۶



- آثار اقتصادی مالکیت فکری / ۱۳۹۵



- نقشه راه مالکیت فکری اتاق بازرگانی بین‌المللی / ۱۳۹۴



